

حل مسائل زناشوئی

SOLVING MARRIAGE PROBLEMS

راه حل های کتاب مقدس
برای مشاوران کلیسا

Biblical Solutions for
Christian Counselors

مؤلف : جی آدامز (Jay Adams)
مترجم : شاهرخ صفوی

پیشگفتار نویسنده کتاب

سال های نه چندان دوری بود که پیامبران شوم جهان خبر مرگ کانون ازدواج را برای ما میآورند. با ظهور زندگی گروهی و اشتراکی، ازدواج های بی قید و شرط، و قرار داد های ازدواج قابل فسخ به عنوان سبک مُدرن و "متمن" زندگی، آینده زندگی زناشوئی به نحوی که در طول تاریخ "سننی" گردیده بود را غیر قابل دوام میدانستند.

اما با وجود پیش بینی های هولناک این افراد، نه تنها ازدواج ها دوام یافته است، بلکه ازدواج های مسیحیان قوی تر از هر زمان گردیده اند. در نتیجه چنین حملاتی به جانب ازدواج، تعلیمات و موضعات بیشتری در خصوص ازدواج ایجاد شده، کتاب های بیشتری نوشته شده، و علاقه زیادی به کسب "فن مشاوره ای ازدواج در کلیسا" به وجود آمده است.

پیشگفتار مترجم

این کتاب شامل ۸۰ صفحه می باشد و در نتیجه نمی توان آن را به صورت یک فایل منتشر ساخت. با انتشار جداگانه هر فصل، چاپ آن برای شما سریع تر خواهد بود.

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است.

شهرخ صفوی

فهرست مطالب

فصل اول: ازدواج نیاز به مشاوره مسیحی دارد

فصل دوم: ازدواج شخص مشاور

فصل سوم: چه باعث مسائل زناشویی می شود؟

فصل چهارم: برداشت هایی از ازدواج که خلاف کلام خدا هستند: بخش اول

فصل پنجم: برداشت هایی از ازدواج که خلاف کلام خدا هستند: بخش دوم

فصل ششم: ترکیبات گناه در زندگی : انواع عمومی

فصل هفتم: ترکیبات ویژه گناه در زندگی: بخش اول

فصل هشتم: ترکیبات ویژه گناه در زندگی : بخش دوم

فصل نهم: اهمیت روابط با دیگران

فصل دهم: روابطی که ایجاد مسائل می کنند: بخش اول

فصل یازدهم: روابطی که ایجاد مسائل می کنند: بخش دوم

فصل دوازدهم: نفوذ های معمول اجتماعی

فصل سیزدهم: چگونیج می توان مسائل زندگی زناشویی را شناسائی کرد

فصل چهاردهم: خیال ها و راه حل های باطل

فصل پانزدهم: مقاصد اساسی در مشاوره ازدواج

فصل شانزدهم: مسائل منحصر به نقش زن و مرد در ازدواج: بخش اول - زنان

فصل هفدهم: مسائل منحصر به نقش زن و مرد در ازدواج: بخش دوم - شوهران

خلاصه مطالب

فصل دوم

ازدواج شخص مشاور

مشاورانی هستند که در خدمت خود موفق نیستند، و نه به دلیل آنکه نیت آنها درست نیست و یا با اصول کلام خدا آشنا نیستند، بلکه به این خاطر که ازدواج خودشان خراب است. دعای آنها برای مقاضیان خود به ثمر نمیرسد. چگونه میتوانند اشخاص دیگر را کمک کنند وقتی حاضر به دریافت کمک به خود نیستند؟

این مشاوران نمیتوانند با ایمان به کلام و قدرت روح القدس، به راه حل های کتاب مقدس تأکید کنند، چون خود آن را رد کرده اند. وقتی چشم خودشان در اثر گناه خود به اهمیت اجرای کلام خدا کور شده، چگونه انتظار دارند حل مسائل را در کلام خدا کشف کرده و بر دیگران تأکید نمایند؟ وقتی به نصایح این خادمین گوش میدهید، متوجه میشوید چرا به این همسر ها کمک نشده و چرا کلاً نصایحی را که میدهند، در نهایت با شکست مواجه میشود. وقتی آنچه برای مقاضیان لازم می دارند، به خود منع میکنند تعجب ندارد که در خدمت کلیسا و زندگی زناشوئی خود شکست می خورند. وقتی از خادمی میشنوید که به همسر جوانی میگوید با پدر و مادر بی ایمانشان که "رحمت" ایجاد کرده اند، قطع رابطه کنند، به جای آنکه مطابق رومیان ۱۲:۱۸ عمل نمایند^(۱):

رومیان ۱۲

۱۸ : اگر امکان دارد، تا آنجا که به شما مربوط می شود، با همه در صلح و صفا زندگی کنید.

به فکر آن میافتد که رابطه خود مشاور با پدر و مادرش چگونه است. وقتی میشنوید مشاوره ای به شخصی پیشنهاد کرده که همسر خود را از دانستن موضوعی محروم بدارد، به جای آنکه در شرارت همه چیز پافشاری کند، به رابطه خود مشاور با همسر خود مشکوک میشود^(۲).

آنچه میخواهم بگویم این است که آموزش و کسب راه و روش مشاوره ازدواج در کلیسا و اجرای آن مطابق کلام خدا کافی نیست، و زندگی زناشوئی خود مشاور نیز باید بر آئین مقدس کلام خدا استوار و در حال رشد باشد. آنچه به دیگران نصیحت میکنید، خود نیز باید اجرا کنید. اگر چنین نکنید، قدرت بینش و انجام کار را که فقط از طریق روح القدس سرچشمه میگیرد را نخواهید داشت. خداوند قول نداده که اشخاص دور را برکت بدهد.

در نتیجه شاید بپرسید کیست که بتواند چنین خدمتی را انجام بدهد؟ کیست که صلاحیت انجام کار مشاوره ازدواج کلیسا را دارد؟ ازدواج چه کسی زیننده رابطه عیسی مسیح با کلیساش است، و کلیسای او با عیسی مسیح؟

تمام این سوالات مهم اند. منظور من این نیست که مشاوران را دچار شک فلچ کننده نمایم تا هیچ وقت در فکر چنین کاری نباشند. کلام خدا ضوابط غیر واقعی ایجاد نکرده. بطور مثال، ضوابط انتخاب شیخ کلیسا را در نظر بگیرید. کلام خدا در حالی که دستگذاری بر مردان فاقد شرایط لازم را منع میکند، آنقدر سخت گیرانه نیست که کسی نتواند شیخ کلیسا بشود (اول تیموتاوس ۳؛ تیتوس ۱). همچنین در خصوص مشاوران کلیسا، هر چند لازم است وظیفه خود را با اطمینان به آنکه ازدواج خودشان مطابق با کلام خدا است، منظور آن نیست که ازدواجشان باید به کمال رسیده باشد. اگر به کمال رسیدن ضابطه ضروری می بود، آنوقت کسی صلاحیت مشاوره کلیسا، وعظ کلام خدا، و کار دیگری را برای خدمت به عیسی نمی داشت. خیر، چیزی کمتر از کامل بودن لازم است؛ ولی البته از جانب دیگر چیزی خارج

از دورویی و شکست در ازدواج نیز لازم میباشد. حال چگونه میتوان حد مناسب میان این دو قطب نهايی را بدست آورد؟

قبل از هر چیز، اجازه بدھید هشداری علیه آنانی که تصور میکنند شکست خود در ازدواج، ایشان را دارای صلاحیت کمک به دیگران میکنند بدهم. افراد زیادی هستند که در زندگی زناشوئی خود بطور فلاکت باری شکست خورده اند، حتی تا جایی که به طلاق سرانجام شده، و خود را مشاوران ازدواج ماهری میدانند چون تجربه دست اول از این مسائل را دارند. بخود میگویند "من خودم مزه آن را خوب چشیده ام و به این دلیل از تجربه خودم سهیم میشوم". تجربه نیست که صلاحیت اشخاص را بعنوان مشاوران کلیسا نشان میدهد، بلکه حقیقت کلام و مهارت آنها در اجرای قواعد کلام خدا است. حتی تجربه یک ازدواج موفق نیز کافی نیست. البته نمونه های زیادی موجود است، که با فیض خدا شکست های مخفوی (از مشاوران) بطرز پر شکوهی تبدیل به موفقیت شده اند. خداوند در کلام خود به ما چنین اطمینانی را میدهد:

رومیان ۵

۲۰ : حال، شریعت آمد تا نافرمانی افزون شود؛ اما جایی که گناه افزون شد، فیض بینهایت افزونتر گردید.

اما در اینگونه موارد بخصوص، تغییری که در زندگی آن شخص ایجاد شده بقدرتی آشکار است که عملکرد فیض خدا را بطور وضوح میتوان دید. علاوه بر این، معلوم است که آن شخص نه تنها مسائل قبلی زندگی خود را به طریق کلام خدا حل کرده، بلکه حال ازدواج او نیز نمونه ای از رابطه عیسی مسیح با کلیساش میباشد. علاوه بر این، معلوم است که میخواهد بر اساس کلام الهام شده خدا، مشاوره کند، و نه از تجربه خویش (۳).

به نظر میرسد که به تعداد روزافزون مشاوران ازدواج خودگمارده در کلیسا پایانی نیست. وقت آن رسیده که کلیسا ترتیبی را بدده تا کوران مشاوری کوران نگردد. ازدواج های بیشماری گرفتار مشاوره این گونه افراد شده اند.

حد مناسب میان کامل بودن و دورویی و شکست در ازدواج، که قبلاً به آن اشاره گردید، در صورتی بدست میآید که شرایط زیر رعایت شده باشند:

۱. مشاور کلیسا نباید در انتظار آنکه ازدواجش کامل شود بماند تا بتواند خدمت مشاوره ازدواج کلیسا را بعده بگیرد. در غیر اینصورت، هیچگاه شروع نخواهد کرد.
۲. مشاور کلیسا در صورتی میتواند به همسر ها کمک کند که ازدواج خودش نمونه ای برای متقاضیان باشد. این همان ضابطه ای است که به کشیش صلاحیت صحبت کردن را میدهد. کلام خدا در تیپس ۲: ۷، او را لازم میدارد که "در همه چیز" نمونه باشد:

تیپس ۲

۷: خود در همه چیز سرمشق اعمال نیکو باش. در تعلیم خود صداقت و جدیت بمحرج ده،

"سرمشق اعمال نیکو" بودن، که بسیاری از آیات کتاب مقدس آن را لازم میدارند، بدون آنکه انسان به کمال رسیده باشد، امکان پذیر هست. یکی از راه های سرمشق بودن مشاور، این است که شکست های خود را از طریق کلام خدا جبران کرده باشد، و دیگری آن است که این شرط را همچنان دنبال نماید.

مشاور کلیسا اگر بخواهد سرمشقی برای دیگران باشد باید دائماً در حال مراقبت و مرمت باشد. اگر ازدواج کرده است، باید ازدواجش در راه صحیح پیش رود، و مسائلی که ایجاد می شوند را عمدتاً از طریق کلام خدا حل کند. در مجموع، مشاور کلیسا باید بتواند همچون داود، بگوید:

مزمر ۱۰۱

۲: در طریقِ بی عیب با مراقبت سالک خواهم بود. نزد من کی خواهی آمد؟ در خانه خویش با دلی راست سلوک خواهم کرد.

لغت tam در زبان یونانی، که در کلام ”بی عیب“ ترجمه شده، همچنین معنی یکپارچگی، بی نقص و کامل را نیز دارد. اگر مشاور کلیسا در راه بی عیب و نقص نبوده باشد، و مصمم نباشد که هر مشکلی که در راهش قرار می گیرد را از طریق کلام خدا از میان بردارد، نمیتواند مشاور دیگران باشد.

فهرست زیر نویس‌های فصل دوم

(۱) به رومیان ۱۲: ۱۳ تا ۲۱ نیز توجه کنید.
(۲) به افسسیان ۴: ۲۵ نیز توجه کنید.

(۳) برای اطلاع بیشتر در مورد استفاده صحیح از تجربه، به کتاب من Grist from Adam's Mill رجوع نمائید (این کتاب به زبان فارسی ترجمه نشده است).